

مقایسه و تحلیل بن‌مایه‌های داستان «طاهر و زهره» در روایت‌های ترکمن و آذربایجان

سکینه رسمی^۱ عاتکه رسمی^۲*

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۱)

چکیده

اساطیر نهفته در داستان‌های ملل، بیانگر هویت تاریخی اقوام هستند. یکی از داستان‌های اسطوره‌ای که در ایران، بالکان، قبرس، ترکیه، آذربایجان، اران و ... رواج زیادی داشته است و هنوز هم در مراسم عروسی از سوی عاشیق‌ها نقل می‌شود، داستان «طاهر و زهره» است. تصویر صف‌کشی عشق در برابر کینه، وفا در برابر پیمان‌شکنی و توطئه، تجدد در برابر سنت‌گرایی و خواستن و تلاش در برابر عناد و ممانعت. این داستان که چون دیگر داستان‌های «عاشیق‌لار» ترکیبی از نظم و نثر است از نظر تنوع بن‌مایه‌ها بسیار غنی است. در روایت‌های مختلف این داستان همانند دیگر داستان‌های شفاهی، تفاوت‌هایی وجود دارد که این تفاوت‌ها زائیده تاریخ، فرهنگ، اجتماع و سبک زندگی قوم راوی داستان است. در روایت‌های ترکمن و آذربایجان درباره خانواده، تولد، نام‌گذاری، تعلیم، عاشق‌شدن، و دیدارهای قهرمانان و نیز ممانعت از ازدواج عاشق، به‌غریب رفتن و بازگشت قهرمان، تشابهات زیادی دیده می‌شود. اما تفاوت عمده دو داستان یکی در اپیزود ماهیم و چندهمسری است که در روایت ترکمن هست، ولی در روایت آذربایجان وجود ندارد؛ دیگری در لشکرکشی زنان (آنالار قوشونو) در روایت آذربایجان است که عشاق را

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول).

* rasmi1390@yahoo.com

به وصال می‌رساند و بدانندیش را اگرچه پدر زهره باشد، به جزای خود می‌رساند. با توجه به اینکه در ایران هیچ‌گونه تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است، این مقاله بن‌مایه‌های داستان را در روایت‌های ترکمن و آذربایجان با نیم‌نگاهی به روایت‌های قبرس و کوموک - بررسی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: داستان، اسطوره، طاهر و زهره، ترکمن، آذربایجان.

۱. مقدمه

اسطوره روایت‌هایی از گذشته ملت‌هاست که زمان حال را تبیین می‌کند. اسطوره‌ها که ساختار اصلی فرهنگ بشری را شکل می‌دهند، تفسیر انسان باستان از هستی، خود و خدای خود است و به قول الیاده روایتی است که «در زمان مقدس سرآغاز روی داده است» (۱۳۷۶: ۲۳). اسطوره‌ها که در دل داستان‌های ملل نهفته‌اند، بیانگر هویت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اقوام است؛ از این‌رو یکی از نتایج بررسی قصه‌های عامیانه، «به دست آوردن اطلاعاتی در زمینه جامعه‌شناسی تاریخی است» (محبوب، ۱۳۸۷: ۱۳۹)؛ زیرا اسطوره‌ها در شرایط اجتماعی و اقلیمی و کیفیت معیشتی اقوام و خلاقیت ذهنی راویان متنوع می‌شوند.

یکی از معروف‌ترین داستان‌های عامیانه که بر مبنای اسطوره شکل گرفته، داستان «طاهر و زهره» است. خاستگاه این داستان سرزمین ایران است؛ لیکن باغشی‌های^۱ دوره‌گرد در بالکان، ترکیه، قبرس، آذربایجان، اران و ... آن را منتشر کرده‌اند. این داستان که چون دیگر داستان‌های «عاشیق‌لار» با شعر درآمیخته است، نمایش پیروزی عدالت بر بی‌عدالتی است که با بیان تضادهای موجود بین شخصیت‌های مثبت و منفی داستان، تصویر مقابله افراد با ظلم و ستم و روش‌های این ستیز و مبارزه شکل می‌گیرد. این داستان روایت‌های مختلفی دارد که پژوهش پیش‌رو به مقایسه دو روایت مهم آن، یعنی ترکمن و آذربایجان می‌پردازد. در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه‌ای بشر پی برد که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه دیگر همان اندیشه به گونه دیگر مجال بروز می‌یابد (کفافی، ۱۳۸۲: ۸).

در روایت ترکمن، پدر زهره باباخان، پادشاه سرزمین تاتار و باهر پدر طاهر، وزیر اوست (ملانفس، ۱۳۸۴: ۹). ملانفس که خود شاه عاشقان و سلطان سرزمین عشق خوانده می‌شود، این داستان را در اواخر قرن سیزدهم بازآفرینی کرده است. شاعر داستان «طاهر و زهره» را با فرهنگ ترکمن درآمیخته و خود و همسرش «بوستان‌تاج» را نیز وارد داستان کرده است. نقش او در این اثر همچون نقش دده‌قورقود است که به‌مثابه کاهنی پیشگو و دانایی پرمزوراز در داستان حضور پیدا می‌کند، ملانفس پند می‌دهد، حمایت می‌کند، عشاق را به صبر و تحمل درد عشق توصیه می‌کند و آنگاه که مصلحت می‌بیند به دور از چشم پادشاه نکاحشان را می‌بندد.^۲ او که پرورده جامعه‌ای مسلمان است، متأثر از سال‌های ناامنی، اغتشاش، بیدادگری و نابرابری میان فئودال‌ها و توده‌های رنج‌دیده مردم و علاوه بر آن قشون‌کشی متجاوزان غارتگر قاجار است که برای سرکوبی قبایل ترکمن از هیچ ظلمی ابا نمی‌کنند؛ تا جایی که خود شاعر نیز در این جنگ‌ها شرکت می‌جوید و به‌سبب مبارزه بی‌امان لقب «نفس باتیر» می‌گیرد و عاقبت نیز بر اثر زخم‌هایی که در یکی از جنگ‌ها بدو می‌رسد، فوت می‌کند. داستان بازآفرینی‌شده وی بازتاب حوادث و وقایع سیاسی و اجتماعی دوره خویش است که از بی‌رحمی و غارتگری زورمندان به شکوه درمی‌آید.

بولان آمان ککیل اوف، محقق روسی، در مقدمه نسخه‌ای از این اثر که در دوران اتحاد شوروی چاپ کرده است، ملانفس را می‌ستاید و شخصیت‌های داستان «طاهر و زهره» را نماینده اقشار دردمند و خلق زحمت‌کش و باباخان را نماد طبقه ظالم و طبقه مرفه اجتماع معرفی می‌کند. به نظر او باباخان نماد فئودال ظالمی است که زهره و طاهر در برابر او قیام می‌کنند؛ اما ککیل بر ملانفس خرده می‌گیرد؛ زیرا او در شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه خویش محصور است و در آخر داستان بر ادامه حکومت باباخان صحه می‌نهد و او را دوباره بر تخت می‌نشاند و نیز چندهمسری طاهر را امری روا می‌داند و داستان را با ازدواج هم‌زمان طاهر با زهره و ماهیم‌جان به انجام می‌رساند (همان، ۷). داستان طاهر و زهره بیانگر بی‌عدالتی، استبداد، نیرنگ و صفات ناپسندیده طبقات حاکم بر جامعه است که عشاق با عشق پاک و وفاداری در برابر آن قد علم می‌کنند و نفرت خود را نسبت به ظلم و بیداد بیان می‌کنند. در بعضی از روایت‌ها چون روایت قبرس و کوموک، غرور انسان و حقیقت در برابر ظلم و ستم زورمندان مغلوب

می‌شود و در بعضی روایت‌ها چون روایت آذربایجان که قهرمانان و یاریگران آن‌ها- که بیشتر زنان هستند- فعالانه عمل می‌کنند و عشاق به‌عنوان نماد عشق، وفاداری، نیکوکاری، صلح و آزادی و حقیقت بر حاتم‌سلطان و اطرافیان او- که نماد آز و طمع، حسادت، کینه، شتم، غارتگری، فریب، خیانت، تزویر و خون‌ریزی هستند- پیروز می‌گردند. در روایتی از آذربایجان، پدر زهره، حاتم‌سلطان پادشاه قارامان^۳ (تناسب کلمه قارامان با کلمه قارا (سیاه) کاملاً محسوس است) و پدر طاهر، احمد، وزیر اوست (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۲۷) و در روایتی دیگر، حاتم معروف به حاتم‌سلطان و دوستش تاجراحمد از تجار سرزمین تارم (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۳۳- ۳۴) هستند.

در این روایت‌ها، شخصیت‌های روشن چون طاهر و زهره، دوستان طاهر (احمد و محمد)، سونا خانم و پدرش، حسن‌خان و شخصیت‌های تاریک چون باباخان و شخصیت‌های روشن از دیار تاریکی چون جلاذقاسم- که از کشتن طاهر و پدرش به خاطر حق نان‌ونمک ابا دارد- و شخصیت‌های تاریک از دیار روشنی چون خارکنان و چوپان‌های طاهر- که درازای دریافت پول، خبرچینی می‌کنند- حضور دارند.

این داستان پیوند عشق و حماسه است، البته در روایت ترکمن، حجم غنایی و در روایت آذربایجان حجم حماسی اثر، پررنگ‌تر است. اوج این پیوند در روایت آذربایجان در اپیزود گل و بلبل در باغ چهلم خان‌وردی دیده می‌شود که چگونه بلبل به خاطر وصال گل از هستی خویش درمی‌گذرد و به خاطر مراقبت از گل از دریدن سینه‌اش نیز ابا ندارد (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۷۴- ۷۶).

در روایت‌های آذربایجان حماسه‌آفرینی زنان (آنالار قوشونی: قشون زنان، به موقعیت خاص زنان در فولکلور و تاریخ آذربایجان مربوط می‌شود؛ زیرا نقش زنان در داستان‌های آذربایجان مانند دده‌قورقود، کوراوغلی، قاجاق نبی و ... پررنگ است) نسبت به داستان‌های دیگر اقوام برجسته‌تر است (ر.ک: یکتا، ۱۳۸۳: ۶۴-۶۵).

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. بیان مسئله

داستان «طاهر و زهره» با بن‌مایه‌های غنایی، حماسی و اخلاقی روایت کشمکش‌هایی است که برای رسیدن به معشوق انجام می‌پذیرد. اگرچه این بن‌مایه‌ها چون بیشتر

داستان‌های عامیانه برآمده از اساطیر هستند، لیکن محققان قرن اخیر، اساطیر را هم‌ردیف صداقت و به معنای داستان‌های واقعی قرار می‌دهند (ر.ک: باستید، ۱۳۷۰: ۴۵). علاوه بر بن‌مایه‌های پراهمیت، داستان طاهر و زهره از نظر علم موسیقی نیز اهمیت دارد. هم‌اکنون نیز بخشی‌ها در مراسم جشن و عروسی آن را می‌خوانند (ر.ک: حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۲۱۱). اخیراً نیز به همت مؤسسه فرهنگی - هنری ماهور، *موسیقی خراسان - داستان طاهر و زهره با آواز و دوتار محمدحسین یگانه* منتشر شده است. همچنین گفتنی است داستان از نظر زیبایی‌شناسی متن نیز اهمیت دارد، صفات ادبی، ضرب‌المثل‌های ماهرانه، متنوع بودن محور شعری از ویژگی‌های این اثر است. گفتنی است در این مورد روایت ترکمن بر روایت آذربایجان ترجیح دارد.

۲-۲. پیشینه تحقیق

درباره بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه تحقیقاتی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به *ساختارشناسی بن‌مایه‌های حمزه‌نامه* (غلامحسین زاده و دیگران، ۱۳۸۹)، «بررسی و مقایسه تطبیقی بن‌مایه رویین‌تنی در سه اثر ادبی *ایلیاد*، *شاهنامه* و *منظومه نیلگون*» (کمالی روستا، ۱۳۹۴)، «بن‌مایه‌های داستان اصلی و کرم» (رسمی و رسمی، ۱۳۹۵)، «ساختار بن‌مایه‌های داستانی امیرارسلان» (جعفرپور و علوی‌مقدم، ۱۳۹۱) اشاره کرد. داستان طاهر و زهره در سال‌های اخیر در ایران چندین بار به چاپ رسیده است که می‌توان به *طاهر میرزه ایله زهره ناغیلی* با عنوان *ساری بولبول*^۴ (حریری اکبری، ۱۳۹۴)، *طاهر- زهره* (احمدزاده، ۱۳۹۲) و روایت‌های دیگر چون «طاهر ایله زهره» در مجموعه *آذربایجان عاشیق داستانلاری* (ساعی، ۱۳۹۴) و «طاهر ایله زهره» در مجموعه *آذربایجان عاشیق داستانلاری* (عزتی، ۱۳۹۴)^۵، داستان «طاهر و زهره» در کتاب *یک‌صد منظومه عاشقانه فارسی* (ذوالفقاری، ۱۳۹۴) و *داستان زهره-طاهیر* (ملانفس، ۱۳۸۴) اشاره کرد. این داستان در سال‌های اخیر با عنوان *جام جان* (حیدری، ۱۳۹۲) به نظم فارسی درآمده است. درباره این داستان اگرچه در بین دیگر ملل ترک‌زبان تحقیقاتی صورت گرفته است^۶، لیکن در ایران جز تحلیلی که حریری اکبری در مؤخره داستان با عنوان «ناغیلین آرشیدیرماسی: تحلیل داستان» در کتاب *ساری بولبول* آورده، هیچ تحقیق دیگری

به‌خصوص درباره بن‌مایه‌های آن صورت نگرفته است، از این‌رو ضرورت چنین تحقیقی برای معرفی داستان و بن‌مایه‌های آن احساس می‌شود.

۳-۲. روش تحقیق

در این تحقیق که با هدف نشان‌دادن ارزش‌ها و ویژگی‌های خاص این اثر انجام شده، نگارندگان ضمن معرفی داستان، بن‌مایه‌های روایت‌های ترکمن (روایت ملانفس) و آذربایجان (روایت‌های حریری و احمدزاده) و وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها را در مقایسه با روایت‌های کوموک و قبرس بررسی کرده‌اند.

۳. بن‌مایه‌های داستان

در پژوهش‌های نقد ادبی، بن‌مایه یکی از مباحث مهم به شمار می‌آید. برخی از تعاریف بن‌مایه در ادبیات عبارت‌اند از: «درون‌مایه، تصویر خیال، اندیشه، عمل، موضوع، وضعیت و موقعیت، صحنه، فضا و رنگ یا کلمه و عبارتی که در اثر ادبی واحد یا آثار ادبی مختلف تکرار می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۵۷). به بیانی دیگر بن‌مایه‌های داستانی عبارت‌اند از:

عناصری ساختاری - معنایی از نوع: کنش‌ها، اشخاص، مضامین، مفاهیم و نمادها در داستان‌ها که بر اثر تکرار به عنصری تیپیک و نمونه‌وار بدل می‌شوند. بن‌مایه‌ها در موقعیت روایی خاصی و بیشتر به‌سبب تکرار شوندگی، برجستگی و برانگیزندگی، معنایی ویژه می‌یابند و حضورشان در داستان سبب بسط حجمی، زیبایی روایت و تقویت جاذبه داستانی و درون‌مایه‌ای آن می‌شود (ر.ک: پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۲).

با توجه به این تعریف، بن‌مایه‌های داستان «طاهر و زهره» تنوع بسیاری دارد که شناسایی و طبقه‌بندی آن در شناخت فولکلور و فرهنگ بخشی از ایران‌زمین مؤثر خواهد بود؛ اگرچه در این داستان نیز چون دیگر داستان‌های عامیانه، فضای داستان از نظر مکان و زمان دارای ابهام است و نمی‌توان تصویری درست از محیط، ابنیه، اشیاء، تکلم، زیست، تفکر، زندگی روزمره و دیگر اطلاعات به‌دست آورد (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۷۴: ۳۷-۳۸).

۳-۱. بن‌مایه‌های دینی

دین و مقدسات از مضمون‌های مشترک داستان‌های عامیانه است که البته در داستان‌های حماسی، نمود کمتری دارد. با توجه به اینکه داستان‌های «عاشیق‌لار» بعد از عصر صفوی تدوین شده است، مضمون دینی در داستان‌های «عاشیق‌قوربانی و پری» (ساعی، ۱۳۹۴: ۱/ ۱۶۳-۱۹۸)، «خسته‌قاسم» (همان، ۱/ ۱۹۹-۲۲۹)، «معراج‌نامه» (همان، ۲/ ۱۸۸-۲۰۰)، «شاعر جوما» (همان، ۲/ ۲۴۱-۲۶۵) و «گولگنز و عباس» (قربانی‌اقدم، ۱۳۹۱) پررنگ‌تر دیده می‌شود. مهم‌ترین بن‌مایه‌های دینی مطرح در این داستان بدین شرح است:

۳-۱-۱. دعا و اجابت آن

یکی از بن‌مایه‌های مهم داستان «طاهر و زهره» دعاست. دعا چه در زندگی واقعی و چه در فضای داستانی جایگاه خاصی دارد، چون قهرمان داستان تمام راه‌ها را بر خود بسته می‌بیند، به درگاه خداوند روی می‌آورد. این بن‌مایه در روایت ترکمن پررنگ‌تر جلوه می‌کند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۳۳، ۴۳، ۷۲، ۷۵، ۱۱۹).

۳-۱-۲. گزاردن نماز حاجت

در روایت ترکمن قهرمانان داستان بارها نماز حاجت به جا می‌آورند. طاهر هنگام بازگشت به سرزمین خود به کوهی می‌رسد، وضو می‌گیرد، دو رکعت نماز حاجت می‌خواند و دعا می‌کند. دعای طاهر پذیرفته می‌شود و کوه شکاف برمی‌دارد و طاهر از خود بی‌خود و بیهوش می‌شود (همان، ۱۲۳، نیز، ۶۵).

۳-۱-۳. صدقه‌دادن عامل ذریه

از بن‌مایه‌های مشترک در این داستان صدقه دادن برای نصیب یافتن از اولاد است. والدین قهرمانان برای نصیب یافتن از فرزند صدقه می‌دهند (همان، ۱۲؛ حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۲۸؛ احمدزاده، ۱۳۹۲: ۳۹، ۴۰). این مضمون در داستان‌های دیگر چون «اصلی و کرم» (غفارزاده، ۱۳۹۳: ۱۲)، داستان «نوروز و قنداب» (ساعی، ۱/ ۱۳۹۴: ۸)، «علی‌خان و پری‌خانم» (همان، ۳۲/۱) و «عباس و گولگنز» (همان، ۱/ ۲۳۱) دیده می‌شود (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

۳-۱-۴. استفاده از تلمیحات داستان‌های پیامبران

در روایت ترکمن، از تلمیحات پیامبران جای جای استفاده می‌شود، برای مثال چون عشاق را از هم جدا می‌کنند، زهره خطاب به طاهر می‌گوید: «ای طاهر، اگر هر روز مرا چون جرجیس بکشند و زنده کنند، اگر هر روز چون زکریا اره بر سرم گذاشته پاره‌پاره‌ام کنند، جز تو کسی دیگر را دوست نخواهم داشت» (همان، ۲۹). از دیگر تلمیحات به پیامبران در روایت ترکمنی می‌توان به مضامین طوفان نوح (همان، ۳۲؛ یوسف / ۱۲ / ۴۷) و آب حیوان (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۶۵) اشاره کرد.

۳-۱-۵. کلمه شهادت

در روایت ترکمن، زهره بعد از مرگ طاهر بر سر مزار طاهر می‌رود و بعد از ذکر کلمه شهادتین با خنجر جری که بر کمرش بسته است، به زندگی خود خاتمه می‌دهد و به طاهر می‌پیوندد (همان، ۱۶۰).

۳-۱-۶. قداست شهید

در روایت ترکمن طاهر بعد از کشته شدن، شهید خوانده می‌شود و ملانفس خطاب به مردم می‌گوید که هر کس پاره‌ای از لباس شهید یا هر آنچه بر مزار او نثار شده است، برگیرد آتش دوزخ بر او حرام می‌شود (رک: همان، ۱۵۷-۱۵۸).

۳-۱-۷. توسل به امامان و اهل بیت

در روایت آذربایجان نمود شیعی بیشتر است. طاهر بعد از گذاشته شدن در صندوق به آب سپرده می‌شود و به حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، حضرت علی اکبر و حضرت علی اصغر و مادرشان لیلا و دیگر خونین کفنان کربلا توسل می‌کند (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

۳-۱-۸. قرآن خوانی

یکی از مضامینی که در روایت ترکمن به تکرار به آن برمی‌خوریم، مضمون استشهاد به قرآن و ختم آن است (ملانفس، ۱۳۸۴: ۶۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۸).

۳-۱-۹. مضامین روز قیامت و آخرت

در روایت ترکمن به مضامین روز قیامت از جمله میزان، حسابرسی، بازنگری ثبت‌شده‌های کرام‌الکاتبین، شفاعت، بهشت، حوری و ... توجه شده است (همان، ۱۵۲).

۳-۲. بن‌مایه‌های کرامت

داستان‌های عامیانه بیشتر با کرامت درآمیخته است. بن‌مایه‌های کرامت در داستان «طاهر و زهره» بدین شرح است:

۳-۲-۱. تولد قهرمان با دعای خیر و سیب درویش

در حکایت‌های عامیانه یکی از مضامین مطرح، که گاه گره داستان نیز شمرده می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۷۴: ۳۴)، تولد قهرمان است. این مضمون در دیگر داستان‌های عامیانه چون «اصلی و کرم» (غفارزاده، ۱۳۹۳: ۲۱)، «عاشیق غریب و شاه‌صنم» (همان، ۲۴)، «عاشیق قوربانی و پری» (همان، ۱۶۴)، «خسته قاسم» (همان، ۲۰۱)، «نوروز و قنداب» (همان، ۹)، «امراه و سلبی ناز» (ساعی، ۱۳۹۴: ۸/۲)، «علی‌خان و پری خانم» (همان، ۶۴/۲) و «سادات و صیاد» (همان، ۷۰/۲) مشاهده می‌شود. این مضمون بن‌مایه مشترک همه روایت‌های داستان «طاهر و زهره» است. در روایت ترکمن، ولادت فرزند با دعای پادشاه و وزیر در یک قبرستان خارج از شهر میسر می‌شود (ر.ک: ملانفس، ۱۳۸۴: ۹-۱۱). در روایت آذربایجان، تولد قهرمانان با سیبی که درویش می‌دهد ممکن می‌شود (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹). در دیگر روایت‌ها نیز کمابیش این مضمون دیده می‌شود.^۷ اگرچه در روایت ترکمن به پیوند تولد قهرمانان با سیب اشاره‌ای نشده؛ ولی در متن داستان آمده است که قهرمانان همچون دو نیمه سیب هستند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۳).

۳-۲-۲. هاتف غیبی و باده عشق

مضمون باده خوردن در رؤیا و سرمستی از باده عشق (بوتا) از بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه است (ر.ک: رسمی، ۱۳۹۴: ۴۱-۶۳). در داستان «طاهر و زهره» نیز ملانفس در رؤیای خود تختی زر نشان می‌بیند که پادشاهان عشاق، شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون از هر سو صدها کنیز به زمین می‌فرستند. آن‌ها به ملانفس می‌گویند: ای ملا، بیا شراب

حقیقت را بگیر و آن را با زهره بنوش. نه جام شراب که ملا هفت جام آن را به زهره می‌دهد، دو جام آن را خود می‌خورد و هر دو سرمست می‌شوند (دوردی قاضی، ۱۳۸۴: ۳۶).

۳-۲-۳. غلبه بر عناصر طبیعی

در روایت‌های عاشیق‌لار، قهرمان که بیشتر عارف است، بر موانع طبیعی غالب می‌آید (ر.ک: رسمی، ۱۳۹۵: ۴۹). در داستان «طاهر و زهره» در روایت ترکمن، طاهر هنگام رسیدن به کوهی که توان گذر از آن را ندارد، وضو می‌گیرد و دو رکعت نماز می‌خواند، کوه شکافته می‌شود، طاهر از خود بی‌خود و بیهوش می‌شود (همان، ۱۲۳). این مضمون یادآور متلاشی‌شدن کوه طور در داستان حضرت موسی^(ع) است (اعراف ۷/ ۱۴۳). در روایت‌های آذربایجان، آب و باد در حمل طاهر به فرمان زهره است (ر.ک: حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۱۰۶؛ ر.ک: احمدزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۳۸).

۳-۲-۴. زنده‌شدن بعد از مرگ

این مضمون در داستان‌هایی چون «معصوم و دل‌افروز» (عزتی، ۱۳۹۴: ۴۷-۴۸) و «ورقه و گلشاه» دیده می‌شود. در روایت ترکمنی داستان «طاهر و زهره»، زمانی که جلادان طاهر را می‌کشند، زهره نیز هنگام زیارت قبر طاهر با خنجر خودکشی می‌کند. عشاق در کنار هم دفن می‌شوند، بر سر مزار هر یک گل سرخی می‌روید، از طرف خداوند حضرت عیسی^(ع) و حضرت خضر^(ع) بر سر قبر طاهر و زهره فرود می‌آیند، آن‌ها را از قبر درمی‌آورند و دوباره به اذن خدا جان می‌بخشند، و طاهر در کنار زهره و ماهیم‌جان - که از بغداد با شنیدن خبر مرگ طاهر به تاتار آمده است - کامروا می‌شود (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۵۷-۱۸۱). در روایت آذربایجان این مضمون وجود ندارد و در بعضی روایت‌های دیگر نیز، زنده‌شدن طاهر مقطعی است (ترکمن^۸، ۱۹۹۸: ۸۴).

۳-۳. بن‌مایه‌های شگفت‌انگیز

بن‌مایه‌های شگفت‌انگیز در تمامی روایت‌های داستان «طاهر و زهره» وجود دارد. در قصه‌های عامیانه، راوی با ماجراها و حوادث خلق‌الساعه و خرق عادت، خواننده و

مقایسه و تحلیل بن‌مایه‌های داستان «طاهر و زهره»... سکینه رسمی و همکار

شنونده را به اعجاب وامی‌دارد. شاید این امر از آن‌جا ناشی می‌شود که قصه‌ها در اصل برای گفتن و نقل کردن خلق شده و بعد به صورت مکتوب درآمده‌اند. این بن‌مایه‌ها در روایت‌های ترکمن برجسته‌تر از روایت‌های آذربایجان هستند.

۱-۳-۳. کمر بند سحرآمیز

در روایت ترکمن، ماهیم کمر بند سحرآمیزی دارد. این کمر بند را بلقیس همسر سلیمان به حاکمان چین سفارش داده بود. کمر بند خاصیتی دارد که هر کس آن را به کمر بندد، احساس خستگی نمی‌کند و اگر صد سال سفر کند، گویی جوانی ۲۵ ساله است. ماهیم این کمر بند را به کمر طاهر می‌بندد و او را تا خارج شهر بدرقه می‌کند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۹۹).

۲-۳-۳. موی بلند گل رعنا

در روایت ترکمن ندیمه ماهیم، گل رعنا، موهای بلند چهل‌متری دارد که چون برای بیرون آوردن صندوق حامل طاهر، ریسمانی نمی‌یابند، از موهای او برای کشیدن صندوق استفاده می‌کنند (همان، ۵۵).

۳-۳-۳. گذر از شهر پری‌ها

در روایت ترکمن طاهر هنگام بازگشت به سوی تاتار به شهر «فرخ‌داد»، شهر پری‌ها می‌رسد و با پری‌زادی دیدار می‌کند؛ ولیکن بنا به عشقش نسبت به زهره به او اعتنایی نمی‌کند (همان، ۱۲۴-۱۲۶).

۴-۳-۳. گذاشتن طاهر در صندوق و افکنده شدنش در آب

این مضمون که متأثر از داستان حضرت موسی^(ع) است (طه/۲۰ / ۳۹)، بن‌مایه مشترک همه روایت‌های طاهر و زهره است (ر.ک: ملانفس، ۱۳۸۴: ۴۶، ۱۲۹-۱۳۰؛ احمدزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۳۰).

۵-۳-۳. مصون ماندن صندوق از آسیب ماهی‌ها

در روایت ترکمن صندوق در گذر خود به گردابی می‌رسد که هر چیز به آن می‌افتاد، ماهی‌ای آن را می‌بلعید، ولی صندوق حامل طاهر، شبی در آن گرداب می‌ماند؛ لیکن هیچ آسیبی نمی‌بیند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۴۵).

۳-۳-۶. مصون ماندن از دست آدم‌خوارها

در روایت ترکمن صندوق در گذر خود به قبیله آدم‌خوارها می‌رسد، لیکن آدم‌خوارها از صندوق می‌ترسند که مبادا بلایی از سوی صندوق به آن‌ها برسد و فرار می‌کنند (همان، ۴۶).

۳-۳-۷. بردن صندوق توسط پرندگان به بالای درخت و دوباره به رود افتادنش

صندوق در گذر خود دوباره به گردابی می‌رسد. در کنار رود، درختانی وجود دارد که باد صندوق را بالای آن درختان می‌اندازد. طاهر با خدای خود به مناجات می‌پردازد و از او می‌خواهد که دوباره صندوق را به آب اندازد. پروردگار دعای طاهر را اجابت می‌کند. روزی باد تندی می‌وزد و دوباره صندوق به رود می‌افتد (همان، ۴۷-۴۸).

۳-۳-۸. دستمال و انگشتری سحرآمیز

یکی از بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه طلسم و طلسم‌شکنی است. در روایت آذربایجان چون صندوق طاهر را باللی خانم از آب می‌گیرد، بعد از بازکردن صندوق، باللی خانم و ندیمه‌هایش می‌بینند که جوانی در صندوق خوابیده است و دستمالی بر بینی او گذاشته‌اند. چون دستمال برداشته می‌شود، طاهر عطسه می‌کند (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۱۴۴)، لیکن صدایی از او بر نمی‌آید. آن‌گاه خضر نبی^(ع) حاضر می‌شود و می‌گوید که بر انگشت او، انگشتری طلسم‌دار است، آن را در بیاورید تا طاهر به هوش آید (همان، ۱۴۶).

۳-۳-۹. نعره آتشین

در روایت ترکمن، طاهر هنگام بازگشت به سرزمین تاتار در برخورد با راهزن‌ها به یاد زهره آهی می‌کشد، ناگاه از دهان او آتشی زبانه می‌کشد و صورت و ریش راهزنی را می‌سوزاند. دیگر راهزن‌ها از «عاشیق حق» (عارف) بودن او مطمئن می‌شوند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

۳-۳-۱۰. رؤیا

یکی از بن‌مایه‌های مطرح در داستان‌های عامیانه، رؤیاست. این مضمون بیشتر با مضمون باده‌خوردن (بوتا) همراه است، چنان‌که در داستان «عاشیق غریب و شاه‌صنم»

(غفارزاده، ۱۳۹۳: ۲۳)، «اصلی و کرم» (غفارزاده، ۱۳۹۳: ۲۴)، «نوروز و قنداب» (عزتی، ۱۳۹۴: ۱۳۹)، «خسته قاسم» (ساعی، ۱۳۹۴: ۱/ ۲۰۱)، «عاشیق قوربانی و پری» (همان، ۱/ ۱۶۳) و ... دیده می‌شود، این رؤیای صادق گاه در شخصیت مثبت داستان نمود می‌یابد؛ چنان‌که در روایت ترکمن، باهر- و در روایت آذربایجان، احمد وزیر- خواب می‌بیند که آن‌ها از دعای خیر درویش دارای فرزند خواهند شد (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۲۹) و گاه در شخصیت‌های منفی داستان، چنان‌که زهره بعد از مرگ به خواب پدر می‌آید، شکایت می‌کند و از او می‌خواهد که قبر قره‌باتیر را از آن‌جا به جای دیگری منتقل کند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۶۳). در همان روایت، ماهیم دلباختنش به طاهر را در رؤیا دیده است (همان، ۴۹). مضمون رؤیا در دیگر روایت‌های «طاهر و زهره» چون روایت کوموک وجود دارد (اورازیف^۹، ۱۹۹۳: ۲۱۳).

۳-۴. بن‌مایه‌های عاشقانه

عشق جوهر هستی است. در داستان‌های عامیانه، قهرمانان هستی و قدرت خود را از عشق می‌یابند، چنان‌که در سخت‌ترین لحظات خود به یاری عشق، قدرت پایداری می‌یابند. در داستان «طاهر و زهره» بن‌مایه‌های عاشقانه بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است. مهم‌ترین بن‌مایه‌ها بدین شرح است:

۳-۴-۱. هم‌پیوندی ولادت و عشق

در بیشتر داستان‌ها قهرمانان از بدو تولد به ناف هم بریده شده‌اند، چنان‌که در داستان «اصلی و کرم» (غفارزاده، ۱۳۹۳: ۲۱) و «عباس و گولگز» (ساعی، ۱۳۹۴: ۱/ ۲۳۱) دیده می‌شود. در روایت‌های مختلف «طاهر و زهره»، عشاق با دعای درویش- و در بعضی روایت‌ها با خوردن سیب اعجاز‌آمیز- به دنیا آمده‌اند؛ از این‌رو گویی دو نیمهٔ سیب هستند که باید به هم پیوندند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۸؛ حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۳۲؛ نیز رک: اورازیف، ۱۹۹۳: ۲۰۰)؛ از این‌رو در سیر داستان دنبال نیمهٔ گمشدهٔ خود هستند، جست‌وجوی هویت گمشده یادآور بازگشت به مبدأ هستی و ذات خداست.

۳-۴-۲. نام‌گذاری عشاق

مراسم نام‌گذاری بن‌مایهٔ بیشتر داستان‌های عامیانه است، چنان‌که در داستان «عباس و گولگز» (ساعی، ۱۳۹۴: ۱/ ۲۳۱)، «علی‌خان و پری‌خانم» (همان، ۳۳) و «اصلی و کرم»

(غفارزاده، ۱۳۹۳: ۲۱) دیده می‌شود. انتخاب اسم نیکو یکی از وظایف والدین شمرده می‌شود. در روایت ترکمن، ملانفس و همسرش بوستان‌تاج، نام دختر را زهره می‌گذارند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۳) و بعد اسم پسر از سوی خانواده‌اش، طاهر تعیین می‌شود. در روایت آذربایجان مجلسی ترتیب می‌دهند، اسم دختر حاتم‌سلطان را زهره و اسم پسر احمد وزیر را طاهر می‌گذارند (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۳۱؛ احمدزاده، ۱۳۹۲: ۴۰؛ نیز ر.ک: اورازیف، ۱۹۹۳: ۲۰۰).

۳-۴-۳. هم‌مکتب‌بودن عشاق

مضمون هم‌مکتب‌بودن عشاق در تمامی روایت‌های طاهر و زهره دیده می‌شود. در روایت ترکمن، طاهر و زهره هم‌مکتب می‌شوند، ملانفس مروشاه جهان، معلم مکتب آن‌هاست (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۳). اگرچه به هم‌مکتب‌بودن قهرمانان در همه روایت‌های داستان اشاره شده است؛ ولی در روایت آذربایجان به مکتب فرستادن فرزندان - چه دختر و چه پسر - در کنار بزرگ کردن و ازدواج یکی از وظایف اصلی پدر و مادر دانسته شده است (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۳۱). کودکان هشت سال باید آموزش داده شوند (همان‌جا). در اپیزود دختر خان‌وردی، به‌کرات از تفوق «سونا» به خاطر بهره‌داشتن از سواد سخن می‌گوید (همان، ۱۰۹-۱۱۳). در این روایت طاهر و زهره نیز از هفت‌سالگی به مکتب فرستاده می‌شوند و هشت سال در مکتب می‌مانند (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲؛ احمدزاده، ۱۳۹۲: ۴۰).

۳-۴-۴. غزل‌خوانی عشاق

در داستان‌های «عاشیق‌لار»، معمولاً عشاق خود عاشیق و اوزان هستند، چنان‌که در داستان‌های «عاشیق‌غریب و شاه‌صنم» (ر.ک: رسمی، ۱۳۹۶: ۱۵-۳۲) و «اصلی و کرم» (ر.ک: رسمی، ۱۳۹۶: ۵۸) دیده می‌شود. داستان‌های عاشیق‌لار نیز با اشعاری آمیخته است که بیشتر در قالب قوشما و گارایلی هستند. در داستان «طاهر و زهره» نیز عشاق خود «عاشیق» هستند و از هر فرصتی برای زدن ساز و خواندن غزل استفاده می‌کنند، حتی وقتی طاهر در صندوق گذاشته می‌شود، عشاق غزلیاتی خطاب به هم می‌سرایند و از عشق خود سخن می‌گویند (ر.ک: درودی قاضی، ۱۳۸۴: ۳۲-۴۰؛ حریری، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۱۰۶).

۳-۴-۵. ممانعت از ازدواج عشاق

در بیشتر داستان‌های غنایی مانعی برای وصال عشاق وجود دارد که معمولاً این نقش در پدر معشوق نمود می‌یابد؛ چنان‌که در داستان «اصلی و کرم» (غفارزاده، ۱۳۹۳)، «عاشیق غریب و شاه‌صنم» (همان‌جا)، «نوروز و قنداب» (ساعی، ۱۳۹۴: ۱/۷-۳۲)، «علی‌خان و پری‌خانم» (همان، ۱/۳۲-۶۳) و «دیل سوز و خزال گول» (همان، ۱/۹۲-۱۳۶) نیز دیده می‌شود. در بیشتر روایت‌های داستان «طاهر و زهره»، پدر زهره نمی‌خواهد که دختر او با پسر وزیر ازدواج کند. در بیشتر روایت‌ها خاندان طاهر کشته می‌شوند (ترکمن، ۱۹۹۸: ۴۲) و پادشاه طاهر و زهره را همچون خواهر و برادر بزرگ می‌کند و مانع ازدواج آن‌ها می‌شود. در روایت آذربایجان پدر زهره از اینکه تقدیر به او دختر و به وزیر پسر داده، خشمگین است و از اینکه مبدا حکومت بدین‌ترتیب از دست او برود، نگران است؛ از این‌رو به هیچ وجه حاضر به وفای عهد خود نیست (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۴۳).

۳-۴-۶. دیدارهای عشاق

بن‌مایه دیدارهای پنهانی عشاق در بیشتر داستان‌های غنایی وجود دارد. در روایت‌های مختلف طاهر و زهره، عشاق بعد از آنکه از دیدار هم منع می‌شوند بارها با یکدیگر دیدار می‌کنند. در روایت ترکمن بعد از آنکه طاهر به سرزمین خود باز می‌گردد، زهره او را پیش نامادری‌اش - که از هندوستان آمده است - نگاه می‌دارد و ملانفس دور از چشم پادشاه عقد آن‌ها را می‌بندد (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۴۶). در روایت‌های آذربایجان نیز دیدارهای مکرر عاشق و معشوق دیده می‌شود (احمدزاده، ۱۳۹۱: ۶۱، ۸۲).

۳-۴-۷. ترک وطن

در بیشتر قصه‌های غنایی چون اصلی و کرم، عاشیق غریب و شاه‌صنم، و عباس و گولگز، عاشق برای طلب معشوق ترک دیار می‌کند یا تبعید می‌شود. در داستان «طاهر و زهره» نیز جلای وطن عاشق به‌اجبار صورت می‌گیرد (ملانفس، ۱۳۸۴: ۳۱). در روایت آذربایجان نیز چون حکم به کشتن طاهر داده می‌شود، خلایق بدان حکم اعتراض

می‌کنند که اگر طاهر کشته شود دیگر در آن سرزمین نه از آسمان بارانی می‌آید و نه از زمین نباتی می‌روید، از این رو به تبعید او حکم می‌شود (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۵۹).

۳-۴-۸. یادگاری

یکی از نمودهای داستان‌های عامیانه، نشانه و یادگاری است. در روایت ترکمن هنگام جدایی طاهر و زهره، ماهیم انگشتی طاهر را که بر آن اسم زهره حک شده بود، به یادگاری می‌گیرد (ملانفس، ۱۳۸۴: ۹۹) که هرگاه بدان بنگرد، تسلی یابد. در روایت آذربایجان، زهره عنبرچۀ^{۱۰} خود را به عنوان یادگاری به طاهر می‌سپارد (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۶۲) تا با نگاه کردن بدان از درد غربت بکاهد.

۳-۴-۹. نصیحتگران عشاق

در داستان‌های غنایی، معمولاً نصیحتگرانی ظهور می‌کنند تا عاشق را از عشق باز دارند، زیرا عشق را باعث هلاکت عاشق می‌دانند (ر.ک: رسمی، ۱۳۹۵: ۴۱-۶۳). در روایت ترکمن طاهر و زهره معمولاً یاریگرانند تا نصیحتگران؛ اما در اپیزود ماهیم، مادر ماهیم، دخترش را از عشق طاهر برحذر می‌دارد (ملانفس، ۱۳۸۴: ۵۲). در روایت‌های آذربایجان، خان وردی، طاهر را به ازدواج با دخترش بلغارخانم ترغیب می‌کند، لیکن طاهر می‌گوید که من درس خود را از بلبل آموخته‌ام، بدون معشوق هرگز قرار نخواهم داشت و در راه او از جان خواهم گذشت (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۹۴). نرگس خانم نیز از طاهر می‌خواهد که از خیال زهره بگذرد و با او ازدواج کند (همان، ۱۱۰)، ولی طاهر اعتنایی نمی‌کند.

۳-۴-۱۰. رقابت عشقی

در داستان‌های عاشقانه معمولاً رقیبی وجود دارد که عاقبت قهرمان بر او پیروز می‌شود. در روایت ترکمن، قره‌باتیر^{۱۱} شاهزاده‌ای است که پادشاه، ازدواج با او را بر زهره تکلیف می‌کند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۸۳). در روایت‌های آذربایجان این رقابت در یک روایت در نقش کچل (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۷) و در روایتی دیگر در قالب معلم مکتب طاهر می‌شود (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۲). در بعضی روایت‌ها رقیب از پوست سیبی متولد شده که تولد قهرمانان را سبب شده است (اورازیف، ۱۳۲: ۱۹۹۳). از سوی دیگر در روایت

ترکمن طاهر خلاف میل باطنی با ماهیم ازدواج می‌کند و طاهر هفت سال در کنار ماهیم اما با خیال زهره روزگار می‌گذراند. چون خبر ازدواج زهره به او می‌رسد، دیگر تحمل خود را از دست می‌دهد، از ماهیم وداع می‌کند و به سوی تاتار به راه می‌افتد. البته در این داستان، ارتباط زهره و ماهیم هرگز به صورت یک رقابت بیان نمی‌شود (ملانفس، ۱۳۸۴: ۴۹-۱۱۲).

۱۱-۴-۳. پیام‌رسانی

یکی از بن‌مایه‌های تکراری داستان‌های عاشقانه پیام‌رسانی است. در داستان «طاهر و زهره» نیز همواره خبررسان‌هایی در کار بوده‌اند. این وظیفه گاه به ندیمه‌های زهره، گاه به عاشیق‌ها و اوزان‌ها، زمانی به کاروان‌ها و زمانی دیگر به باد سپرده می‌شود (ملانفس، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۷، ۶۸-۶۹). در روایت‌های آذربایجان نیز طاهر و زهره پیام‌رسان‌هایی به سوی هم می‌فرستند (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

۱۲-۴-۳. خبرچینی

غیر از پیام‌رسانی گاه شخصیت‌های منفی داستان به خبرچینی اقدام می‌کنند تا میان عاشق و معشوق حائل شوند. در روایت ترکمن داستان «طاهر و زهره»، حسن باغبان و پیرزنی به خبرچینی نزد شاه می‌پردازند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۶). در روایت آذربایجان، خبرچین‌ها خارکنان و چوپان‌های طاهر و آشپز زهره هستند و برای پول به این عمل دست می‌زنند (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۵۷، ۱۰۲).

۱۳-۴-۳. یاریگری عشاق

در داستان‌های غنایی همواره یاریگرانی در پی وصال عشاق به یکدیگر هستند. در روایت ترکمنی داستان «طاهر و زهره»، یاریگران زیادی وجود دارند که از آن میان می‌توان به سردار «موی سفید» و یاران او، قمرالزمان و ندیمه‌های زهره اشاره کرد (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۷۶). در یک برهه از داستان چون خلاق برای یاری عشاق، کاری از دستشان برنمی‌آید، همراه با افکنده‌شدن صندوق طاهر، خود را به آب می‌سپارند و عده زیادی نیز غرق می‌شوند (همان، ۳۲). در روایت آذربایجان از یاران جانی طاهر می‌توان

به دو غلام او، احمد و محمد اشاره کرد که به امر پادشاه به جرم حمایت از طاهر اعدام می‌شوند (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۵۱) و نیز دوستان هم‌مکتبی طاهر که اصرار دارند به جای طاهر کشته شوند (همان، ۵۹).

۱۴-۳-۴. مرگ ناکام عاشق و معشوق

مرگ ناکام عشاق یکی از بن‌مایه‌های داستان‌های غنایی است. این مضمون در داستان‌هایی چون *لیلی و مجنون* (نظامی، ۱۳۷۸: ۲۶۸)، *وامق و عذرا* (نامی، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۹) و *اصلی و کرم* (غفارزاده، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۷۰) دیده می‌شود (فرخی قراملکی، ۱۳۹۴: ۱۱). در روایت ترکمنی داستان «طاهر و زهره»، وقتی به دستور پدر زهره، جلادان طاهر را می‌کشند، زهره نیز خود را بر سر مزار محبوب با خنجر می‌کشد. از مزار او خاری می‌روید که مانع پیوستن گل‌ها به همدیگر می‌شود (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۶۲-۱۶۳).

۱۵-۳-۴. ندای زهره، زهره از قطره قطره خون طاهر

طاهر و زهره دو نیمه سیب هستند. از این رو آن‌ها در پی آن هستند که به اصل خود بازگردند. اگرچه آن‌ها از یک مادر نیز زاده نشده‌اند؛ ولی هم‌زاد و هم‌اصل هستند. در روایت ترکمن چون طاهر را سر می‌برند، از هر قطره خون او صدای زهره زهره برمی‌آید، سپس هر قطره خون او به گلی مبدل می‌شود (همان، ۱۵۷).

۵-۳-۵. بن‌مایه‌های حماسی و عیاری

داستان‌های عامیانه با بن‌مایه‌های حماسی و عیاری پرورده می‌شوند. قهرمانان داستان با رقیبان و حریفان طبیعی و فراطبیعی به نبرد می‌پردازند و برای رسیدن به اهداف خود به شگردهای عیاری متوسل می‌شوند. در داستان «طاهر و زهره» نیز بن‌مایه‌های حماسی و عیاری دیده می‌شود، از جمله:

۱-۵-۳. فریب و حيله

کاربرد فریب و حيله هم از سوی قهرمانان داستان و هم شخصیت‌های بد نمود می‌یابد. در روایت ترکمن بعد از مرگ طاهر، چون قراباتیر بر سر راه زهره ظاهر می‌شود، زهره

به او وعده عروسی می‌دهد؛ لیکن وقتی بر سر قبر طاهر می‌رسد با خنجری که بر کمر دارد به زندگی خود خاتمه می‌دهد (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۶۰). در روایت آذربایجان، خان‌وردی برای اینکه طاهر را پیش خود نگه دارد و دخترش نرگس را به عقد او دریاورد به حيله متوسل می‌شود و از مرگ زهره، برای طاهر سخن می‌گوید (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۸۴). نمود دیگر فریب و حيله در خواستگاری کردن دروغین، خواستگاری حسن‌پاشا از زهره برای پسرش است که می‌خواهد از زنده‌بودن زهره مطمئن شود تا جهت وصال عشاق بکوشد و چون از این امر مطمئن می‌شود، دخترانش را با لباس مردانه همراه قشون به سوی دیار زهره می‌فرستد (همان، ۱۲۰). در همین روایت در آخر داستان در نبرد تن‌به‌تن طاهر و حاتم، طاهر حواس حاتم‌سلطان را به پاردم اسبش معطوف می‌کند و آن‌گاه خنجر را بر قلب او فرود می‌آورد (همان، ۱۲۵).

۲-۵-۳. آوردن لباس خون‌آلود طاهر

در روایت آذربایجان جلادها که به عاشیق حق (عارف) بودن طاهر قانع شده‌اند، فرمان حاتم را مبنی بر اینکه طاهر را در خارج از شهر بکشند، اطاعت نمی‌کنند، بلکه پیراهن او را با خون خرگوشی آغشته، آن را با شمشیر تکه و پاره می‌کنند و به حضور حاتم می‌آورند و طاهر را در دره «آغاسویولدو»^{۱۲} به حال خود رها می‌سازند (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۶۸).

۳-۵-۳. حرکت با لباس مبدل

یکی از بن‌مایه‌های عیاری درآمدن به لباس دیگری است. در روایت ترکمن، پادشاه و وزیر در سرآغاز داستان با لباس مبدل به دنبال چاره‌جویی برای اولاددار شدن هستند (ملانفس، ۱۳۸۴: ۴). در صحنه‌ای دیگر طاهر با لباس زنانه در مجالس زنانه حضور می‌یابد و به جای دختران ساز می‌زند و غزل می‌خواند و بدین طریق با زهره دیدار می‌کند. در جای دیگر گوهر، ندیمه زهره، به لباس قلندران درمی‌آید تا خود را به طاهر برساند و خبر ازدواج زهره و قره‌باتیر را بدو برساند (دوردی قاضی، ۱۳۸۴: ۷۷). در روایت آذربایجان طاهر با لباس چوپانان حرکت می‌کند تا شناخته نشود (حریری، ۱۳۹۴: ۱۱۷) و آن‌گاه با لباس زنانه به سرای زهره راه می‌یابد، لیکن نمود برجسته آن در پوشش مردانه

زهره و قشون زنان اوست که در هنگام اجرای حکم کشتن طاهر به سوی پدر می‌آید و خود را شاهزاده کشور همسایه معرفی می‌کند و از پدر می‌خواهد که طاهر را نکشد، بلکه او را به زندان بيفکند و حاتم پیشنهاد او را می‌پذیرد (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۵۹-۶۰) و در روایت حریری در اپیزود «سونا خانم»، دختر حسن پاشاست که قشون پدر را در لباس مردانه به سوی قارامان رهبری می‌کند تا طاهر را به وصال زهره برساند (حریری اکبری، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

۳-۵-۴. نقب‌زدن برای دیدار معشوق

در روایت آذربایجان چون زهره به حيله، طاهر را از کشته‌شدن نجات می‌دهد و پدر را به زندانی‌شدن او راضی می‌کند، به کنیز خود، آغجاخانم، و دیگر دارودسته‌اش فرمان می‌دهد که بین سرای او و زندان نقبی بزنند و خاک آن را به قیزیل‌اوزن (سفیدرود) بریزند. به وسیله این راه زهره و طاهر با هم دیدار می‌کنند و از این‌رو زندان بر طاهر چون جنت می‌شود (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۶۱). این بن‌مایه در داستان نوروژ و قن‌داب نیز دیده می‌شود (ساعی، ۱۳۹۴: ۱/۲۳).

۳-۵-۵. دوراهی

در بیشتر قصه‌ها، شاهد قرارگرفتن قهرمان بر سر دوراهی هستیم. در داستان «طاهر و زهره» در روایت ترکمن طاهر از ماهیم وداع می‌کند و به سوی تاتار بازمی‌گردد. ناگاه پیری ریش‌سفید بدنیت ظاهر می‌شود و او را به راهی که در آن راهزن‌ها کمین کرده‌اند، رهنمون می‌شود. طاهر در برخورد با راهزن‌ها از آن‌ها می‌خواهد که راه دهند تا او به محبوبش برسد. بزرگ آن‌ها، «موی سفید»، عاشیق حق بودن او را دریافته، به فرمان او طاهر را آزاد می‌کنند تا راهش را به سرزمین تاتار ادامه دهد (ملانفس، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۱۱۶).

۳-۵-۶. لشکرکشی‌های قشون زنان

نمود برجسته اسطوره داستان «طاهر و زهره» در روایت آذربایجان قشون‌کشی زنان است و چنان‌که گذشت این مسئله به جایگاه برجسته زنان آذربایجان مربوط است. لشکرکشی قشون سونا به سوی قارامان اوج پیوند عشق و حماسه است (حریری اکبری،

۱۳۹۴: ۱۲۴). در روایت احمدزاده (۱۳۹۲: ۱۵۶)، باللی خانم به همراه قشون خود، «آنالار قوشونو» (قشون مادران)، به سوی تارم لشکرکشی می‌کند و در مسیر خود به لشکر نرگس خانم و بلغاز خانم می‌پیوندد و حاتم سلطان را با لشکریانش نیست و نابود می‌کند (همان، ۱۶۸) و درواقع عشق بر دروغ و خیانت غلبه می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

داستان اسطوره‌ای «طاهر و زهره» همانند بیشتر داستان‌های عامیانه و داستان‌های «عاشیق‌لار» بن‌مایه‌های بسیار غنی دارد. این داستان در ایران، قفقاز، بالکان، قبرس، ترکیه، ارمن و ... رواج دارد و با توجه به تفاوت‌های زمانی و مکانی از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز تفاوت‌هایی دارد که در این میان روایت ترکمن با اپیزود «ماهیم‌جان» و روایت آذربایجان با اپیزود «آنالار قوشونی» (قشون زنان) از دیگر روایت‌ها متفاوت‌تر است. چنان‌که در متن نیز آمده است بن‌مایه‌های داستان در پنج بخش متنوع نمود می‌یابند که در این میان بن‌مایه‌های عاشقانه حجم بیشتر دو اثر را دربر می‌گیرند و تقریباً در هر دو روایت مشترک است. در بخش‌های دیگر نیز روایت ترکمن از نظر بن‌مایه‌های دینی، کرامت، شگفت‌انگیزی نسبت به آذربایجان برجسته‌تر است و در روایت آذربایجان سهم بن‌مایه‌های حماسی و عیاری پررنگ‌تر می‌نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. باغشی: عاشیق‌ها با نام‌های عاشوق، باسی، باکسی، بخشی و باغشی مشهور بوده‌اند. «عاشیقان حق، به اعتقاد عوام، عاشیقانی بودند که استعداد شاعری را در عالم رؤیا از یک پیر یا ولی دریافت کرده بودند. آنان بعد از نوشیدن «باده عشق» و مشاهده خیال «دوست» به مقام عاشیق حق نائل می‌شدند» (ر.ک: رئیس‌نیا، ۱۳۶۶: ۸۵-۹۹).

۲. این مضمون یادآور داستان «رومئو و ژولیت» است که عقدشان را راهب لارنس به دور از چشم کاپولت‌ها و مونتاگوها- که اختلافی دیرین دارند- بسته است (ر.ک: شکسپیر، بی‌تا: ۴۴).

۳. قارامان: آدانا، به باور برخی دست‌کم طوایفی از قارامانلوها در ارمن جنوب طالش، در جنوب‌غربی خزر سکونت داشته‌اند. نظر اخیر با مضمون دستان ساری بلبل بیشتر منطبق است؛ زیرا انداختن صندوق طاهر میرزا به دریا حتماً در خزر بوده که سر از هسترخان درمی‌آورد، وگرنه در سواحل

مدیترانه/ دریای روم، آبادی یا بندری به نام هشرخان وجود ندارد (نقل از حریری اکبری، ۹:۱۳۹۴).

۴. عنوان ساری بولبول (بلبل زرد) از اپیزود «نبرد بلبل زرد» به سبب گل مورد علاقه اش در باغ خانوردی گرفته شده است (همان، ۷۴-۷۶).

۵. این مضامین در روایت های کوموک و قبرس و ارزروم نیز آمده است (رک: (اورازیف، ۱۹۹۳:۱۹۹؛ ترکمن، ۳۴:۱۹۹۸). روایت کوموک و قبرس به روایت ترکمن بیشتر شبیه هستند. روایت کوموک را ابوسفیان آقایی از روایتی دیگر به زبان خود ترجمه کرده است، لیکن اصل منبع آن مشخص نیست؛ اما به نظر اورازیف این روایت به روایت آناتولی نزدیک است و تشابه نام شهرها و رودها در آن دیده نمی شود، اگرچه تماماً با روایت آناتولی برابر نیست. در روایت قبرس نیز حکایت ها خصوصیات تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی را در خود دارند. روایت قبرس در مجموعه *روایت های فکر ترکمن* آمده است.

۶. "Mollanefes'in Tahir- Zühre hikâyesi'nin metinlerarası bağlamda yeniden yazımı" (Gökçimen, 2010),
"Tahir ile Zühre inceleme metin" (Türkmen, 1998),
"Tahir Zühre hikayesi" (Kaya, 1995),
"Tahir ile Zühre hekayesi" (Gökbulut, 2009).

۷. قوشما (Qosma): از سه، پنج یا هفت بند تشکیل شده است و هر مصراع دارای یازده هجاست. سه مصراع هر بند با هم و مصراع آخر تمام بندها با همدیگر هم قافیه اند. در بند آخر که مهر بند نام دارد، سراینده تخلص خود را عنوان می کند. گرایلی (Gərayli): گرایلی از سه تا پنج بند تشکیل شده است، هر بند چهار مصراع دارد و هر مصراع دارای هشت هجاست، سه مصراع هر بند با هم و مصراع آخر تمام بندها با همدیگر هم قافیه اند. در بند آخر که مهر بند نام دارد سراینده تخلص خود را عنوان می کند.

8. Turk man.

9. Orazayev

۱۰. عنبرچه: زینتی که پر از عنبر کرده، در گردن می کنند.

۱۱. قارا به معنی «بزرگ» و باتیر به معنای «ترس» است، اگرچه این شخصیت خیلی هم ترسوست و لقب قراچوماق با حرکات ناشایست او مناسبت دارد.

۱۲. اسم خاص است، لیکن معنی آن «آقا، مورد راهزنی واقع شد» می باشد.

منابع

- قرآن کریم.

- احمدزاده (تیلیم خانلی)، حمید (۱۳۹۲). *طاهر- زهره (محبت داستانی)*. ویراستار بهروز ایمانی. تبریز: ندای شمس.

مقایسه و تحلیل بن‌مایه‌های داستان «طاهر و زهره»... _____ سکنیه رسمی و همکار

- الیاده، میرچا (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ایران*. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- باستید، روژ (۱۳۷۰). *دانش اساطیر*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- پارسائسب، محمد (۱۳۸۸). «بن‌مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و ...». *نقد ادبی*. س ۲. ش ۵. صص ۷-۴۱.
- جعفرپور، میلاد و مهیار علوی مقدم (۱۳۹۱). «ساختار بن‌مایه‌های داستانی امیراسلان». *متن‌شناسی ادب فارسی*. دوره جدید. ش ۲ (پیاپی ۱۴). صص ۳۹-۶۰.
- حریری اکبری، محمد (۱۳۹۴). *ساری بولبول (طاهر میرزه ایله زهره ناغیلی)*. تبریز: اختر.
- حیدری، رمضان (۱۳۹۲). *جام جان*. چ ۲. تهران: لویه.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۷۴). *منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی*. تهران: نیما.
- ----- (۱۳۹۴). *یک صد منظومه عاشقانه فارسی*. چ ۲. تهران: چرخ.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۶۶). *کور اوغلو در افسانه و تاریخ*. چ ۱. تبریز: نیما.
- رسمی، عاتکه و سکنیه رسمی (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی نمایشنامه رومنو و ژولیت و داستان رمانتیک عاشق غریب و شاه‌صنم». *ادبیات نمایشی و هنرهای تجسمی*. دوره ۱. ش ۴. صص ۱۵-۳۲.
- ----- (۱۳۹۵). «بن‌مایه‌های داستان اصلی و کرم». *فرهنگ و ادبیات عامه*. دوره ۵. ش ۱۲. صص ۴۱-۶۳.
- ----- (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی منظومه لیلی و مجنون با داستان اصلی و کرم». *ادبیات نمایشی و هنرهای تجسمی*. (در دست انتشار).
- ساعی، حسین (۱۳۹۴). *آذربایجان عاشیق داستانلاری*. ج ۱ و ۲. تبریز: اختر.
- شکسپیر، ویلیام (بی‌تا). *رومنو و ژولیت*. ترجمه علاءالدین بازارگادی. تهران: سروش.
- عزتی (عندلیب اهری)، سخاوت (۱۳۹۴). *آذربایجان عاشیق داستانلاری*. تبریز: اختر.
- عیوقی (۱۳۴۳). *ورقه و گلشاه*. تصحیح ذبیح‌الله صفا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- - غفارزاده دیزجی، غفار (۱۳۹۳). *اصلی و کرم*. چ ۱. تبریز: یشار قلم تبریز.
- ----- (۱۳۹۳). *آشیق غریب ایله شاه صنم*. چ ۱. تبریز: یشار قلم تبریز.
- غلامحسین زاده، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۹). «ساختارشناسی بن‌مایه‌های حمزه‌نامه». *نقد ادبی*. ش ۱۱-۱۲. صص ۲۰۵-۲۳۲.

- فرخی قراملکی، حسن (۱۳۹۴). *اصلی و کرم*. تبریز: رشد خلاق.
- قربانی اقدم، بهناز (۱۳۹۱). *عباس و گولگن*. تبریز: نباتی.
- کفافی، عبدالسلام (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه سید حسین سیدی. چ ۱. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کمالی روستا، حبیب (۱۳۹۴). «بررسی و مقایسه تطبیقی بن مایه رویین تنی در سه اثر ادبی *ایلیاد*، *شاهنامه* و منظومه *نیلونگن*». *مطالعات زبان و ترجمه*. س ۴۸. ش ۱. صص ۷۵-۸۸.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: سخن.
- ملانفس (۱۳۸۴). *داستان زهره- طاهیر*. به همت حاج مراد دوردی قاضی. مشهد: گل نشر.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (۱۳۸۸). *واژه نامه هنر داستان نویسی*. تهران: کتاب مهناز.
- نامی، میرزاصادق (۱۳۸۱). *وامق و عذرا*. به تصحیح رضا انزابی نژاد و غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: مرکز دانشگاهی.
- یکتا، فراز (۱۳۸۳). «بیر شکیل بیر یازی. زینب پاشا». *دیلماج*. ش ۶. صص ۶۴-۶۵.
- مجد، فوزیه (۱۳۸۳). *موسیقی خراسان- داستان طاهر و زهره با آواز و دوتار محمدحسین یگانه*. تهران: ماهور.
- GokBulut, Burak (2009). «Tahir ile Zuhre hekayesi» (Kibris Turk Varyantinin Yapi Bakiminan Incelenmes). *International Periodical for the languages literature and History of Turkish or Turkic*. vol. 4/3.
- Gökçimen, A. (2010). «Mollanefes'in Tahir- Zühre Hikâyesi'nin Metinlerarasi Bağlamda Yeniden Yazimi». *Journal of Qafqaz University*. Yıl:4.N:39
- Kaya, D. (1995). «Tahir Zühre hikayesi». *Türk Halk Kültüründe Derlemeler. Ipekyolu Uluslararası Halk Edebiyatı Sempozyumu Bildirileri*. 1-7 Temmuz 1993. Ankara: Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları. pp 169-194.
- Orazayev, G. (1993). *Abusupiyan Akayav Payhamalarni Yolu Bulan*. Mahaçkala: Dağıstan Kitap Basımevi.
- Türkmen, F. (1998) *Tahir ile Zühre inceleme metin*. Ankara: Atatürk Kültür Başkanlığı Yayınları.